

تحلیل حقوقی چند رأی از آراء هیأت داورى

محدثه فریدون

کارشناس حقوق اقتصادی و کارشناس دبیرخانه هیأت داورى



مقدمه

ناهنجاری‌های بازار سرمایه، به سه دسته ی جرم، تخلف و اختلاف تقسیم می‌گردد و بر طبق قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذر ماه ۱۳۸۴ رسیدگی به اختلافات این حوزه در صلاحیت هیأت داورى قرار دارد.

مطابق مفاد ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار اختلافات بین کارگزاران، بازارگردانان، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر فعالان راجع به فعالیت حرفه‌ای آنها در صورتی که در کانون مربوطه منجر به سازش نگردد توسط هیأت داورى مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است رسیدگی در هیأت داورى اجبارى است یعنی رسیدگی در آن با داورى اختیاری موضوع آئین دادرسی مدنی متمایز است.^۱

ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار در خصوص ترکیب هیأت داورى اشعار می‌دارد: «هیأت داورى متشکل از سه عضو می‌باشد که یک عضو توسط رئیس قوه قضائیه از بین قضات با تجربه و دو عضو از بین صاحب نظران در زمینه‌های اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان و تایید شورا به اختلافات رسیدگی می‌نمایند. رئیس قوه قضائیه و سازمان با تایید شورا علاوه بر نماینده ی اصلی خود، هر یک عضو علی‌البدل تعیین می‌نمایند تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در هیأت داورى شرکت نمایند. شرایط عضو علی‌البدل همانند عضو اصلی می‌باشد.»

طبق تبصره همین ماده ریاست هیأت داورى به عهده نماینده قوه قضائیه قرار داده شده است. بنابراین عضو اصلی یا علی‌البدل منصوب از سوی رئیس قوه قضائیه عهده دار ریاست هیأت داورى و مسائل مرتبط با رسیدگی به هر پرونده خواهد بود

رسیدگی پرونده‌ها در هیأت به استناد ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار منوط به عدم سازش طرفین اختلاف در کانون‌ها می‌باشد. کانون مربوطه پس از برگزاری جلسه جهت حل و فصل قضیه اختلافی و عدم حصول نتیجه اقدام به صدور گواهی عدم سازش نموده که این گواهی یکی از مقدمات طرح پرونده در هیأت داورى قلمداد می‌شود.

صلاحیت هیأت داورى یک صلاحیت ذاتی است که به موجب قانون بوده و از صلاحیت محاکم عمومی با وجود اینکه مرجع تظلمات عمومی هستند، منتزع شده است. بر این اساس صدور قرار عدم صلاحیت توسط دادگاههای عمومی و خودداری از

رسیدگی، در دیوان عالی کشور تایید شده و دیوان پرونده را به هیأت داورى ارجاع می‌دهد. مضافاً بر آنکه صلاحیت هیأت داورى یک صلاحیت حقوقی است و تنها به موارد حقوقی (اختلافات) رسیدگی می‌کند و در صورت اثبات ادعا حکم به جبران خسارت صادر می‌شود. لذا صلاحیت کیفری یا انضباطی ندارد.^۲

مطابق مفاد تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار آراء هیأت داورى قطعی و لازم‌الاجراء بوده و قابل تجدید نظر خواهی نمی‌باشند و اجرای آن بر عهده ادارات اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک می‌باشد.

پس از توضیح اجمالی پیرامون نقش و جایگاه هیأت داورى به ذکر دو نمونه از آرای صادره از این مرجع پیرامون معاملات فضولی اوراق بهادار و تحلیل و بررسی آنها بر اساس قواعد حقوقی می‌پردازیم.

مبحث اول: بررسی رأی پرونده کلاسه ۳/۳-هـ/۸۷ «گردش کار»

آقای (م - ق) درخواستی علیه شرکت کارگزاری خوانده به شماره ثبت ۱۳۱/۱۲۸۶-۱۳۱/۳/۲۰-۸۷/۳/۲۰ در هیأت داورى مطرح نموده و ادعا می‌نماید: «اینجانب (م - ق) از طریق همکاران که با اینجانب تماس تلفنی داشتند و اظهار می‌داشتند که سهام آنها نیز بدون اجازه توسط کارگزاری (ت) بفروش رفته است مانند آقایان (ش) (ش - ح) - (الف - ج) و غیره که در صورت نیاز اسامی آنها ذکر خواهد شد پس از این ماجرا اینجانب پیش آقای (الف) مسئول سهام آزمایش رفتم و سپس به بورس مراجعه نمودم که مشخص شد سهام من بدون سند و بدون اجازه از اینجانب بفروش رفته که مراتب طی شکوائیه‌ای که در بورس موجود می‌باشد مستند است که پس از نه (۹) ماه انتظار از طریق بورس به هیأت حل اختلاف مراجعه نمودم که بر خلاف انتظار با دو یا سه مورد پیشنهاد (...) مواجه شدیم که همه موارد به نفع کارگزاری (ت) رقم می‌خورد. در ضمن خدمتتان اعلام میدارم اینجانب بازنشسته با پنجاه سال سن با حقوق ماهیانه ۲۷۸,۰۰۰ (دویست و هفتاد و هشت هزار) تومان، دارای چهار فرزند می‌باشم و تنها اندوخته ۳۰ سی ساله خدمت من همین سهام است که به فروش رفته است و اینجانب خواهان کل مبلغ فروش طبق پرینت فروش بورس به اضافه ضرر و زیان و سود آن طبق عرف بانک‌های کشور در این مدت ۴۲ (چهل و دو ماه) را خواستارم. لذا از آن مقام محترم عاجزانه تقاضا دارم که اقدامات لازم را مبذول فرمایند تا حق و حقوق زن و فرزندان من ضایع

۱ - متن ماده ۳۶ بدین شرح است:

ماده ۳۶. اختلافات بین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزاران معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران، و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در کانون‌ها توسط هیأت داورى رسیدگی می‌شود.

۲ - جهت مطالعه بیشتر در خصوص صلاحیت هیأت رجوع کنید به: میرزایی منفرد، غلامعلی، کتاب «ساز و کارهای حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه ایران»، انتشارات شرکت اطلاع رسانی بورس، چاپ زمستان ۸۷، ص ۷۱ الی ۹۰.

۳. سهام شرکت صنعتی پیام و تولید فرومولیبیدن و جوشکاب یزد متعلق به شاکی نیز توسط شرکت کارگزاری مزبور به فروش رسیده که شاکی نسبت به آن اعتراضی ننموده است.

۴. کارگزار از تاریخ ۸۳/۸/۳۰ تا ۸۳/۹/۸ مبادرت به خرید تعداد ۵۰,۰۰۰ سهم از سهام صنعتی آزمایش نموده و از تاریخ ۸۳/۹/۱۵ تا تاریخ ۸۳/۹/۲۹ تعداد ۷۵,۰۰۰ سهم از سهام صنعتی آزمایش را به فروش رسانده است. کارگزار تعداد ۲۵,۰۰۰ سهم بیشتر از آنچه که خریداری نموده است به فروش رسانده است و وجوه حاصل از فروش را به حساب آقای (م) - منتقل نموده است. با توجه به ارائه گواهینامه سپرده سهام شرکت به شماره ۸۶۴۵۶۲۹ که در تاریخ ۸۳/۹/۱۱ به تایید سازمان بورس رسیده و توسط شاکی به این مدیریت ارائه شده و مربوط به معاملات انجام شده سهام شاکی تا تاریخ ۸۳/۹/۸ می باشد، به نظر می رسد شاکی تا زمان تنظیم شکایت تصمیم به فروش سهام خود نداشته است.

۵. سهام شرکت آزمایش از تاریخ ۸۵/۴/۵ در قیمت ۵۹۸ ریال متوقف شده و سود نقدی نیز نداشته است.

۶. کارگزار نمی تواند مسئولیت حرفه ای خود را نادیده گرفته و بدون داشتن وکالتنامه محضری از اشخاص بعنوان واسطه بین شرکت و مشتریان خویش دستور خرید و یا فروش گرفته و بدان عمل نماید. شرکت کارگزاری مسئول جبران خسارت وارده به شاکیان از این قبیل می باشد...

با طرح موضوع در کمیته سازش نتیجه جلسه و تصمیم بشرح صورتجلسه شماره ۱۴ مورخه ۱۳۸۷/۳/۱ مبنی بر این است که: "به شاکی اعلام شد که در صورت تنفیذ معامله باید اجازه ای را که به آقای (م) - داده است و محدود آن را مشخص کند. اگر چنانچه معامله را تنفیذ نمی کند می تواند سهام خود را مطالبه نماید یا اینکه در تاریخی که از فروش مطلع شده اند قیمت سهام را مطالبه نماید. شاکی روش های پیشنهادی را نمی پذیرد. مقرر شد در خصوص تقاضای ایشان بررسی و گزارش لازم تهیه شود تا تصمیم مقتضی اتخاذ گردد."

کمیته سازش مطالبی را به ضمیمه اعلام و در آخر تصریح می دارد: "... پس از بحث و بررسی و تحلیل موضوع و تلاش در جهت جبران خسارت وارده بر خواهان و توجه به نقش میانجیگری اعضای کمیته بین اطراف دعوا و مستندا به ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار و با عنایت به عدم پذیرش پیشنهاد های کمیته، ضمن اعلام عدم امکان حصول سازش اختلاف بین طرفین دعوا اقدام به صدور گواهی عدم سازش نموده و خواهان را جهت طرح دعوای خود به هیات داوری ارشاد می نماید."

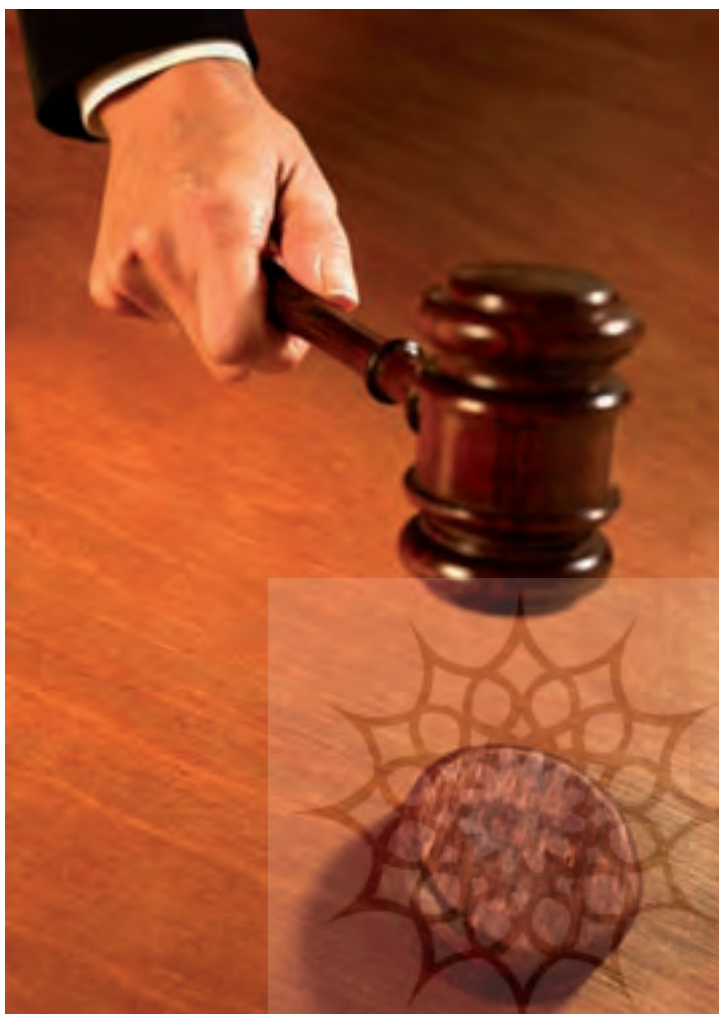
هیات داوری با برگزاری جلسه رسیدگی، مشروح اظهارات طرفین دعوی را استماع و نکات لازم را مورد پرسش قرار می دهد. طرفین در خاتمه توصیه به سازش می شوند و نظر

نشود...". سرپرست مدیریت نظارت بر کارگزاران سازمان بورس و اوراق بهادار در خصوص شکایت نامبرده فوق قبل از طرح در کمیته سازش و هیات داوری، بررسی نموده و نتیجه را به کانون کارگزاران به شرح آتی اعلام نموده است: "به استحضار می رساند آقای (م) - ق در تاریخ ۸۶/۵/۳۰ شکوائیه ای به این مدیریت ارائه و اعلام نمود در تاریخ ۸۶/۵/۲۷ در پی مراجعه به شرکت صنعتی آزمایش متوجه شده تعداد ۷۵,۰۰۰ سهم از سهام شرکت صنعتی آزمایش متعلق به وی توسط شرکت کارگزاری (ت) به فروش رسیده است. شکایت شاکی از طریق سیستم اتوماسیون اداری به کارگزار منعکس گردید. کارگزار در تاریخ ۸۶/۹/۲۱ طی نامه شماره ۵۲۶/۲۰۴ اعلام نمود که آقای (م) - ر به نمایندگی از طرف شاکی مبادرت به فروش سهام متعلق به وی نموده و طی جلسات حضوری با کارگزار، آقای (م) - ر تعهد نموده که به محض بازگشایی نماد سهام شرکت آزمایش، نسبت به خرید ۷۵,۰۰۰ سهم از سهام شرکت آزمایش و همچنین پرداخت سود سهام آن به نام آقای (م) - ق اقدام نماید. پاسخ کارگزار طی نامه شماره ۱۲۱/۲۴۴۴۳ مورخ ۸۶/۹/۲۵ برای شاکی ارسال گردید. شاکی طی نامه شماره ۱۲۱/۲۵۶۳۸ در تاریخ ۸۶/۱۰/۱۰ به پاسخ کارگزار اعتراض نموده و اظهار داشته کارگزار بدون دستور وی و با اشاره شخص ثالث اقدام به فروش سهام وی نموده است. در خصوص شکوائیه فوق موارد با اهمیت زیر به استحضار آن هیئت محترم می رسد:

۱. طی صورتحساب ارسالی از طرف کارگزار طی ۴ مرحله جمعا مبلغ ۳۲۶,۴۵۸,۹۵۴ ریال از حساب شاکی به حساب آقای (م) - ر که از مشتریان شرکت کارگزاری می باشد، منتقل شده است و نیز از حساب آقای (م) - ر مبلغ ۱۲,۹۷۰,۹۵۰ ریال به حساب شاکی منتقل شده است. در تاریخ ۸۳/۷/۲۲ نیز مبلغ ۷۶,۵۷۰,۵۷۰ ریال حاصل از فروش سهام شرکت پیام به حساب (ع) - ر منتقل گردیده است. ضمنا در تاریخ ۸۳/۷/۲۲ مبلغ ۷۶,۵۷۰,۷۵۰ ریال طی چک شماره ۹۴۸۷۵۵ به شاکی پرداخت شده که شاکی نسبت به تایید یا رد آن ادعایی ننموده است. کارگزار برخلاف مقررات بورس اقدام به فروش سهام متعلق به شاکی و پرداخت وجوه حاصل از آن به غیر نموده است. کارگزار دستور فروش و فرم تسویه بدهی بابت معاملات انجام شده را به این مدیریت ارائه نموده است.

۲. آقای (م) - ر همکار شاکی در شرکت صنعتی پیام به عنوان شخص واسطه بین کارگزار و شاکی بوده است.

ناهنجاری های بازار سرمایه، به سه دسته ی جرم، تخلف و اختلاف تقسیم می گردد و بر طبق قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذر ماه ۱۳۸۴ رسیدگی به اختلافات این حوزه در صلاحیت هیات داوری قرار دارد.



به اینکه مساعی اعضای هیات داوری در ایجاد توافق میان اصحاب اختلاف طی دو جلسه داوری موثر واقع نمی‌شود، موضوع خسارات ناشی از فروش و عدم تأدیه وجه را به کارشناس ارجاع و پس از وصول نظریه کارشناسی و اعلام آن به طرفین و عدم تعرض به آن در مهلت تعیینی، ختم دادرسی را اعلام و پس از بررسی و شور به شرح آتی اتخاذ رای می‌گردد.

«رای هیات داوری»

ادعای خواهان مبنی بر مطالبه مبلغ مربوط به اصل خواسته که در گزارش کارشناس رسمی دادگستری ۱۴۰،۷۳۸،۴۹۰ ریال تعیین گردیده است با توجه به اینکه شرکت کارگزاری خواننده عدم وجود مجوز فروش و نیز عدم وجود مجوز پرداخت وجه حاصل از فروش را به این شرح قبول نموده که: «ما معاملات این افراد را بدون وکالتنامه رسمی انجام می‌دادیم. ما اعتماد بی موردی به آقای (م - ر) داشتیم. ما حاضر بودیم عین سهام را برای ایشان خریداری کنیم و علیه آقای (م - ر) طرح دعوی کنیم... از نظر حقوقی ما کوتاهی کردیم، بخاطر عدم دریافت مدارک، از نظر اخلاقی خود را ضامن نمی‌شناسیم البته پیگیری این مسأله را در مراجع قضائی برای خود محفوظ می‌دانیم...» و دفاع مؤثری که برائت ذمه آن شرکت و اشتغال ذمه ثالث و یا شخص خواهان را اثبات نماید

عدم احراز وجود دین قرار رد صادر و اعلام می‌نماید. در خصوص ادعای دیگر خواهان مبنی بر مطالبه خسارات حاصله توجهاً به محکومیت خواننده به تأدیه اصل خواسته و نظریه کارشناسی در تعیین میزان خسارت و نظر به احراز تمکن خواننده و امتناع وی از پرداخت وجه حاصل از فروش به خواهان، وی را از باب تسبیب، ضامن خسارات تشخیص و در اجرای ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بر مبنای شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (CPI)، به پرداخت مبلغ ۵۲۱،۲۷۶،۱۰۱ ریال در حق خواهان محکوم می‌نماید.

خواننده علاوه بر محکومیت‌های صدرالذکر ملزم به تأدیه هزینه دادرسی به مبلغ ۴،۸۰۸،۵۶۷ ریال و حق الزحمه کارشناسی به مبلغ ۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال در حق خواهان می‌باشد. این رأی به موجب تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار مصوب اول آذر ماه ۱۳۸۴، قطعی و از طریق دوائر اجرای ثبت اسناد و املاک

اقامه نکرده است و اظهار کارگزاری به اینکه عمل خواهان در مطالبه وجه حکایت از تنفیذ معامله دارد و باید در این فرض به گیرنده وجه (م-ر) رجوع کند در مانحن‌فیه خالی از جهات است زیرا تنفیذ معامله در معاملات بورسی به معنای تنفیذ در پرداخت وجه حاصل از معامله نمی‌باشد و نیز توجهاً به بند ۶ گزارش سرپرست مدیریت نظارت بر کارگزاران مشعر بر این که: «کارگزار نمی‌تواند مسئولیت حرفه‌ای خود را نادیده گرفته و بدون داشتن وکالتنامه محضری از اشخاص به عنوان واسطه بین شرکت و مشتریان خویش دستور خرید و یا فروش گرفته و بدان عمل نماید. شرکت کارگزاری مسئول جبران خسارت وارده به شاکیان از این قبیل می‌باشد»، لذا وفق مادتين ۲۵ و ۳۳ آیین‌نامه معاملات در بورس مصوب ۱۳۵۳ مجری در زمان وقوع فروش، کارگزاری (ت) را به پرداخت مبلغ ۱۴۰،۷۳۸،۴۹۰ ریال بابت اصل خواسته (با توجه به نظر کارشناسی) در حق آقای (م-ق) محکوم می‌نماید و نسبت به مازاد خواسته بلحاظ



قابل اجرا می‌باشد.

است.

بایستی توجه داشت، در مسئله مطروحه فرضی مشابه با فرض ماده ۲۶۰ قانون مدنی وجود دارد و آن قبض عوض (تحويل مبلغ حاصل از فروش سهام) بدون اجازه می‌باشد که چنانچه حکم ماده تصریح دارد این امر به اجازه مجزا و مستقلاً نیازمند است. با عنایت به مراتب فوق الذکر، چنانچه خواهان معامله و پرداخت صورت گرفته را اذن دهد و تنفیذ نماید، دیگر حق مطالبه وجه از کارگزاری را نداشته و بایستی به کسی که وجه به او پرداخت شده است مراجعه نماید.

تحلیل رای

در قضیه مطروحه، معامله فضولی (فروش فضولی) نسبت به سهام خواهان واقع شده و وجه آن نیز بدون رضایت و اطلاع مالک به شخص دیگری که نمایندگی یا وکالت وی در قبض محرز نیست، واگذار شده است. خواهان مخیر است یکی از رویه‌های ذیل را در پیش بگیرد.

الف: تنفیذ معامله - تنفیذ پرداخت

چنانچه خواهان معامله را قبول نماید مستحق دریافت وجه حاصل از فروش شده و مالک آن می‌گردد. نقش اجازه مالک (خواهان) منسوب کردن معامله به خود از راه پذیرفتن آثار آن است.^۲ خواهان با پذیرفتن همه آثار ملکیت برای خود و اعطای صلاحیت به فضول برای نفوذ کاری که انجام داده است، انتقال از زمان عقد را اراده می‌کند و در اینجا نظریه کشف حکومت می‌کند یعنی اجازه فعلی، کاشف از صحت عقد از زمان وقوع

ب: عدم تنفیذ معامله - عدم تنفیذ پرداخت وجه

چنانچه خواهان معامله را رد نماید به طریق اولی پرداخت وجه نیز مردود می‌شود، چرا که با رد معامله، خواهان مالک وجه آن نمی‌گردد و عیناً سهام فروخته شده باید به وی مسترد شود. در این حالت کارگزاری موظف به خرید مجدد سهام برای خواهان است و در صورت عدم امکان خرید مجدد، بایستی علاوه بر قیمت کنونی (آخرین قیمت سهام زمانی که نماد گشوده بوده است - ماده ۳۱۲ قانون مدنی)، اختلاف قیمت آن

۳ - کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادها، صفحه ۱۲۸

بنا به مراتب فوق هیأت محترم داوری پس از جلب نظر کارشناس در مورد اصل خواسته، خواننده را به پرداخت مبلغ فروش سهام محکوم نموده و از باب خسارات ناشی از عدم پرداخت وجه به خواهان، بر اساس شاخص تورم CPI و با استناد به ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی خواننده را به پرداخت خسارت نیز محکوم نموده است. لازم به یادآوری است که با فرض صحت گفتار کارگزاری مبنی بر اینکه وجه را به آقای (م-ر) داده تا به خواهان واگذار نماید، می توان گفت حق کارگزاری پس از پرداخت وجه به خواهان در رجوع به آقای (م-ر) محفوظ می باشد.

مبحث دوم: بررسی رأی پرونده کلاسه ۸۶/۹/۴۰ «گردش کار»

بر اساس مستندات موجود در پرونده خواهان در پی عدم حصول سازش مستنداً به صورتجلسه کمیته حل اختلاف ۸۶/۹/۲۰ و ۸۶/۱۱/۰۹، طی در خواست شماره ۱۳۱/۱۱۵۰-۸۶/۱۱/۱۵ خطاب به هیات داوری اعلام می نماید که کارگزاری خواننده در دی ماه ۸۴، ۳۰،۰۰۰ سهم پتروشیمی شیراز خواهان را بدون مجوز به فروش رسانده مضافاً اینکه وجهی نیز از بابت این فروش به حساب وی واریز نکرده است و پس از شکایت به کارگزاری خواننده هیچ اقدامی از سوی خواننده صورت نگرفته، و خواهان اضافه مینماید که در تاریخ ۸۶/۰۹/۲۰ کمیته حل اختلاف تشکیل و کارگزاری خواننده مسئولیت خود را محدود به ۱۰،۰۰۰ سهم پتروشیمی شیراز نموده و مسئولیت ۲۰،۰۰۰ سهم دیگر را متوجه کارگزاری (ر) دانسته است. خواهان اقدام هیات داوری در جهت احقاق

حقوق خود و دریافت خسارت و سود متعلقه با توجه به گذشت ۲ سال از موضوع را خواستار شده است. خواننده طی لایحه ۱۳۱/۱۲۰۰-۸۶/۱۲/۰۷ در دفاع از خود مضموناً اعلام می نماید که خرید ۲۰،۰۰۰ سهم پتروشیمی شیراز در تاریخ ۸۴/۱۰/۰۳ بنام خواهان در شعبه شیراز کارگزاری خواننده و به درخواست نماینده کارگزاری (ر) در شیراز آقای (م-خ) در مدت تعلیق

را با بالاترین قیمت سهام از باب تسبیب به خواهان پرداخت نماید.

طبق مفاد ماده ۲۵۱ قانون مدنی رد معامله فضولی ممکن است صریح یا ضمنی باشد. رد مالک ارتباط حقوقی او را با پیمان فضولی قطع نموده و آثار اعتباری عقد فضولی را از بین می برد. از آنجا که خواهان در دادخواست تقدیمی خواسته خود را وجه حاصل از فروش سهام عنوان نموده اند، این فرضیه که معامله فضولی رد شده باشد را، مردود می نماید چرا که طبق نظر اکثر حقوق دانان مطالبه وجه حاصل از فروش حاکی از تنفیذ می باشد.

(لازم به ذکر است که اگر نماد معاملاتی سهام فروخته شده بسته شده باشد، مطالبه وجه لزوماً در معنای تنفیذ معامله نخواهد بود، زیرا در این صورت خواهان جز مطالبه وجه راه دیگری در پیش رو ندارد اما وقتی وجه مورد مطالبه خواهان همان وجهی است که در زمان فروش سهام تحصیل گردیده است، یعنی قیمت فروش سهام، این امر قرینه ای بر تنفیذ معامله است).

ج: تنفیذ معامله فضولی - عدم تنفیذ پرداخت

در این حالت خواهان، ضمن پذیرش معامله فضولی وجه حاصل از فروش را از فضول مطالبه می نماید، چرا که اگر خواهان انتقال وجه به غیر را قبول داشت، دیگر حق مطالبه از کارگزاری را نداشته و بایستی به شخص گیرنده وجه مراجعه می نمود. (رج. ماده ۲۶۰ قانون مدنی)

در قضیه مطروحه آقای م.ق با توجه به قراین موجود از جمله مطالبه قیمت زمان فروش سهام فروخته شده، معامله را تنفیذ ضمنی نموده است اما به کرات به عدم پرداخت وجه توسط کارگزاری به وی ابراز نارضایتی نموده و کارگزاری نیز کوشیده است پرداخت وجه به دیگری را به جای پرداخت به مالک منطقی جلوه دهد.

هیأت محترم داوری با عنایت به محتویات پرونده، حالت ج: تنفیذ معامله فضولی - عدم تنفیذ پرداخت را مورد تقاضای خواهان تشخیص داده است، چنانچه در رأی صادره به صراحت ملاحظه می شود:

«اظهار کارگزاری به اینکه عمل خواهان در مطالبه وجه حکایت از تنفیذ معامله دارد و باید در این فرض به گیرنده وجه (آقای م-ر) رجوع کند در مانحن فیه خالی از وجاهت است زیرا تنفیذ معامله در معاملات بورسی به معنای تنفیذ در پرداخت وجه حاصل از معامله نمی باشد و...»

ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار در خصوص ترکیب هیأت داوری اشعار می دارد: «هیأت داوری متشکل از سه عضو می باشد که یک عضو توسط رییس قوه قضاییه از بین قضات با تجربه و دو عضو از بین صاحب نظران در زمینه های اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان و تایید شورا به اختلافات رسیدگی می نمایند»

۴ - شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI) از انواع شاخص های قیمت است که معیار سنجش تغییرات قیمت مقدار ثابت و معینی از کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهرنشین بوده و وسیله ای است برای اندازه گیری سطح عمومی قیمت ها در بازار خرده فروشی و یکی از بهترین ابزارهای سنجش نرخ تورم و قدرت خرید پول کشور می باشد.

خواننده در پاسخ به سوال هیات در خصوص مستند قانونی فروش سهام که پول آن پرداخت نشده اظهار میدارد که: «اتفاق می‌افتد و در مواردی اگر اپراتور رقمی را یا کدی را اشتباه بزند فروش انجام می‌افتد و در خرید نیز، فرد با ما تماس نداشته تقاضا ندادیم وجهی پرداخت به ما نشده و وی صاحب سهم شده و ما مجاز هستیم اشتباه معاملاتی را جبران کنیم و همان سهام را بفروشیم. با این توضیح که در این مورد، اتفاق اشتباهی هم رخ نداده در خواست خرید از ما شد و بعد در خواست فروش. مانده حساب هم عیناً به آقای (ع) داده شده است.»

هیات داوری پس از بررسی سوابق و استماع اظهارات طرفین و احراز صلاحیت خود در دعوی مطروحه مستنداً به ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار آذر ۱۳۸۴، مشاوره نموده و مبادرت به صدور رأی مینماید:

«رای هیات داوری»

دعوی خواهان در خصوص مطالبه بهای تعداد ۳۰،۰۰۰ سهم از شرکت کارگزاری (ت) به مدیریت عاملی آقای (ح) با عنایت به اینکه:

۱- وفق اظهارات خواننده، فروش سهام شرکت پتروشیمی شیراز به تعداد ۳۰،۰۰۰ سهم متعلق به آقای (م) به درخواست شفاهی کارگزاری (ر) سهام انجام گردیده و مجوزی از آقای (م) دریافت نشده است،

۲- طبق ماده ۳ آیین نامه معاملات در سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار که حاکم بر معامله بوده است «... کارگزاران پیشنهاد خرید و فروش خود را با توجه به سفارشهای خریداران و فروشندگان، تعداد اوراق بهادار و قیمت آنها را در سامانه معاملاتی وارد خواهند نمود» و در مانحن فیه به اذعان خواننده در خصوص سهام مورد اختلاف چنین سفارشی وجود نداشته است،

۳- اطلاعیه مدیر بازرسی سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار در تاریخ ۸۴/۱۰/۲۲ به شماره ۱۰/۱۰۴۶۲۱ که ناظر به مسئولیت کارگزاران در عملیات خرید و فروش بوده است حاکیست: «... مسئولیت خرید سهام برای مشتریان قبل از دریافت وجوه یا فروش سهام و کالتی بدون کامل بودن مدارک حقوقی و تایید شده به عهده کارگزاران محترم می‌باشد»،

۴- عرف استنادی خواننده دعوی آقای (ح) مبنی بر اینکه به لحاظ عدم پرداخت وجه ناشی از خرید مجاز به فروش بدون کسب اجازه از صاحب سهام بوده است موافق حقوق قانونی سرمایه گذاران از جهت رعایت مقررات فوق الاشعار نمی‌باشد. ضرورت دارد از اعتماد سرمایه گذاران به عملیات بازار بورس و اوراق بهادار حمایت شده و رعایت مقررات قانونی حاکم بر

کارگزاری (ر) صورت گرفته است و از آنجایی که از بابت این خرید وجهی از طرف آقای (م) و یا (م - خ) پرداخت نشده بود و حساب خواهان بدهکار مانده بود آقای (م - خ) یک هفته بعد در تاریخ ۸۴/۱۰/۱۱ در خواست فروش ۳۰،۰۰۰ سهم پتروشیمی شیراز به نام آقای (م) را از مسئول شعبه شیراز کارگزاری خواننده نموده است و قسمتی از وجه حاصل از فروش صرف تسویه ۲۰،۰۰۰ سهم خریدار شده گردیده و مابقی بنا به درخواست آنان (م - خ) نماینده (ر) به حساب آقای (ع) حواله گردیده است. خواننده استدلال میکند از آنجایی که وی آقای (م) و (ع) را نمی‌شناسد و با ایشان مرادده‌ای نداشته و خرید و فروش سهم پتروشیمی شیراز را به درخواست آقای (م - خ) انجام داده بنابراین مسئولیت به عهده آقای (م - خ) می‌باشد و فقط مسئولیت فروش تعداد ۱۰،۰۰۰ سهم بیش از سهامی که قبلاً خریداری شده به عهده کارگزاری خواننده است.

هیات داوری پس از مشاهده اظهارات طرفین، پس از انجام شش جلسه رسیدگی به پرونده را در تاریخ ۸۷/۰۲/۰۴ تشکیل داد که در این جلسه مدیر عامل کارگزاری خواننده در بخشی از دفاعیات خود اعلام نمود «از آنجایی که بین کارگزاران رسمی اعتبار و اعتماد وجود دارد در مدت ۱۰ روز که کارگزاری (ر) تعلیق داشت به نماینده ما در شیراز کارها را ارجاع می‌دادند و کار آقای (م) را هم به ما ارجاع دادند، ما نه با آقای (ع) و نه با آقای (م) تماسی نداشتیم. بعداً فهمیدیم آقای (م) با آقای (ع) در بروجر، روابط خرید سهام داشته و کارگزاری (ر) کارهایشان را انجام می‌داده است آقای (ع) با آقای م در ارتباط بودند و در محل برای مشتریان محل اقدام می‌نموده‌اند، ۲۰،۰۰۰ سهم بنا به درخواست آقای م به نام آقای (م) خریداری شده و وجهی هم به ما پرداخت نمی‌شود. حساب به نام ایشان در نزد کارگزاری ما از ۸۴/۱۰/۰۳ تا ۸۴/۱۰/۱۱ خالی و بدهکار می‌ماند. پس از پی گیری نماینده ما در شیراز به ما اعلام شد چون نمیشود تسویه نماییم این ۳۰،۰۰۰ سهم را که به نام آقای (م) است بفروشید. ۲۰،۰۰۰ سهم بابت بدهی سهام تسویه می‌شود و حدود ۱۰،۲۰۰،۰۰۰ سهم مانده بستانکاری حساب می‌شود که مربوط به ۱۰،۰۰۰ سهم اضافه است. آن مبلغ را هم آقای م دستور داد که به آقای (ع) در بروجر حواله کنید و مدعی هم بودند که رسماً هم نماینده کارگزاری نیستند. در تاریخ سال ۸۴ (حدود ۸۴/۱۱/۰۳) به حساب سیبا آقای (ع) حواله می‌شود.»

خواهان در پاسخ سوال هیات داوری در خصوص مستند پرداخت وجه سهام خریداری شده توسط خواننده اعلام نمود که: «ما عمده خرید و فروش داشتیم و مابه التفاوت آنها را سهام گرفته ایم. عمده خرید پتروشیمی شیراز از طریق فروش سهام تکنوتار بوده که مدارک نیز در سازمان بورس موجود است.»



طی تشریفات قانونی به اختلاف رسیدگی و با توجه به مهیا بودن پرونده در قسمت اصل خواسته، بموجب دادنامه شماره ۶۲/هـ/۸۷ - ۸۷/۲/۳۰ له خواهان انشاء رأی نموده و خوانده را به پرداخت بهای حاصل از فروش ۳۰,۰۰۰ سهم شرکت پتروشیمی شیراز معادل قیمت یوم الاداء محکوم مینماید. راجع به سود سهام و خسارات وارده به لحاظ عدم تکمیل سابقه

و نیاز به بررسی و انجام کارشناسی پرونده مفتوح اعلام می‌شود. هیأت داورى به تاریخ ۸۷/۵/۷ جهت احراز خسارت و میزان آن مراتب را به کارشناس ارجاع و سپس با تشکیل جلسات رسیدگی و اخذ نظر تکمیلی کارشناس خاتمه تحقیقات را اعلام و پس از مشاوره بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

«رای هیات داورى»

ادعای آقای (م) علیه شرکت کارگزاری (ت) مبنی بر مطالبه

بازار توسط کارگزاران تضمین گردد،

وارد تشخیص و خوانده به موجب ماده ۳۵ آیین نامه معاملات در سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار حاکم بر معامله (مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۷ شورای بورس) و ماده ۳۰۴ قانون مدنی به پرداخت بهای ۳۰,۰۰۰ سهم شرکت پتروشیمی شیراز معادل قیمت یوم الاداء محکوم می‌گردد. این رأی بموجب تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذر ماه ۱۳۸۴ قطعی و لازم الاجراست و اجرای آن بعهده اداره‌ها و دوائر اجرای ثبت اسناد و املاک می‌باشد.

دعوی خواهان نسبت به خسارات وارده بلحاظ عدم تکمیل سابقه و نیاز به کارشناسی مفتوح و متعاقباً مورد حکم واقع خواهد شد.

«گردش کار»

آقای (م) به طرفیت شرکت کارگزاری (ت) به مدیریت آقای (ح) به خواسته مطالبه ۴,۴۰۰,۰۰۰ تومان وجه حاصل از فروش به علاوه سود متعلقه ۳۰,۰۰۰ سهم پتروشیمی همراه با خسارت وارده طبق نظر کارشناس، طرح دعوی نموده است. هیأت داورى موضوع ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار پس از

صلاحیت هیأت داورى یک صلاحیت ذاتی است که به موجب قانون بوده و از صلاحیت محاکم عمومی با وجود اینکه مرجع تظلمات عمومی هستند، منتزع شده است. بر این اساس صدور قرار عدم صلاحیت توسط دادگاههای عمومی و خودداری از رسیدگی، در دیوان عالی کشور تایید شده و دیوان پرونده را به هیأت داورى ارجاع می‌دهد.

و مجموعاً ۴۲،۵۴۰،۰۰۰ ریال برای سی هزار سهم می‌باشد و قیمت سهام از آن پس افزایشی نداشته و روند نزولی طی نموده است، مالم ثابت و وارد تشخیص می‌گردد؛ فلذا هیأت داورى بازار اوراق بهادار خوانده را به پرداخت مابه التفاوت قیمت یوم الاداء که موضوع حکم راجع به اصل خواسته است با قیمتی که سهام در اولین بازگشائی نماد پس از مطالبه داشته است در حق خواهان محکوم می‌نماید.

همچنین نظر به دلائل پیش گفته و با احراز استحقاق خواهان به دریافت سود سی هزار سهم پتروشیمی شیراز که تعلق آن به سهامداران بر حسب تصمیم مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام به تاریخ ۸۵/۴/۲۲ طی اطلاعیه شماره ۶۰/۱۲۱۸۶ - ۸۵/۹/۱۸ اعلام گردیده است و اینکه شرکت متعهد شده است سود مزبور را حداکثر تا آذر ماه همان سال در وجه سهامداران واریز نماید و به دلیل عمل خوانده سود حاصل از سهام به حساب خواهان کارسازی نگردیده است توجهاً به مبنای شاخص بانک مرکزی در خصوص نحوه محاسبه خسارت و با التفات به زمان مطالبه خواهان خوانده را طبق مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۳۰۳ قانون مدنی و ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی به پرداخت جمعا مبلغ ۳،۳۳۱،۶۶۲ ریال بابت سود و خسارت سود سهام در حق خواهان محکوم می‌نماید.

علاوه بر موارد فوق، خوانده موظف است مبلغ ۱،۵۱۰،۰۰۰ ریال بابت هزینه داورى از باب تسبیب در ورود خسارت مستنداً به ماده ۵۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در وجه خواهان پرداخت نماید.

بنا به مراتب مذکور و معطوفاً به روند مستمر و فعلی قیمت سهام پتروشیمی شیراز در بازار اوراق بهادار که در نظریه کارشناس مصرح است خوانده در قبال اصل خواسته (موضوع دادنامه شماره ۸۷/هـ/۶۲ مورخ ۸۷/۲/۳۰) و خسارات (موضوع این دادنامه) مجموعاً محکوم به پرداخت چهل و هفت میلیون و سیصد و هشتاد و یک هزار ششصد و شصت و دو ریال (۴۷،۳۸۱،۶۶۲ ریال) در حق خواهان می‌باشد.

مطالبه خسارت از دست دادن فرصت خرید مسکن و آسیب روحی و روانی با توجه به محتویات پرونده و استحقاق خواهان به مطالبه خسارت معادل تعهد قراردادی و اوضاع و احوال قضیه فاقد دلیل و غیرموجه تشخیص و مردود اعلام می‌گردد. این رای به موجب تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار مصوب اول آذرماه ۱۳۸۴ قطعی و لازم الاجراست و اجرای آن به عهده اداره‌ها و دواير اجرای ثبت اسناد و املاک می‌باشد.

تحلیل رای

در این رأی یکی از مواردی که بایستی مورد توجه قرار گیرد



خسارت

از حیث کاهش قیمت سهام موضوع دعوی توجهاً به ماهیت سهام و کیفیت معاملات در بازار اوراق بهادار و با عنایت به زمان طرح شکایت در سازمان بورس و اوراق بهادار یعنی ۸۶/۴/۲۱، و با توجه به اظهارات طرفین دعوی و لوایحی که ضمیمه پرونده گردیده است و نظر به محکومیت شرکت کارگزاری (ت) وفق دلالی که در دادنامه شماره ۸۷/هـ/۶۲ مورخ ۸۷/۲/۳۰ مذکور است، و با توجه به نظریه کارشناس که در مقاطع مختلف اعلام و همگی دلالت بر کاهش ارزش سهام به نسبت ارزش آن پس از زمان مراجعه خواهان به خوانده و بازگشائی نماد شرکت پتروشیمی شیراز دارد، و با التفات به اینکه بعد از مطالبه رسمی خواهان اولین معامله پس از بازگشایی نماد سهام مزبور در تاریخ شهریور ۱۳۸۶ حاکی از قیمت ۱۴۱۸ ریال برای هر سهم

سهام تا آخرین قیمت آن)
۴. قیمت یوم الادا (روز پرداخت): به این معنا که عهده غاصب به رد عین در صورت تلف نیز باقی می ماند و تبدیل به دادن قیمت نمی شود. پس در زمانی که غاصب به دلیل تعذر رد عین، محکوم به دادن قیمت می شود باید بهای عین را به نرخ روز بپردازد.

۵. بالاترین قیمت از غصب تا یوم الادا: زیرا تنها در این صورت است که تمام ضرر مالک جبران می شود. در حال حاضر بحث از این است که کدام یک از ملاک های فوق الذکر مبنای محاسبه قرار گیرد و برای تعیین خسارات وارده چه ملاکی مد نظر قرار گیرد.

- زمان غصب مقصود ما را تأمین نمی کند زیرا غاصب مسئولیت تلف و افت قیمت را نیز بر عهده دارد. به عبارت دیگر قیمت زمان معامله فضولی کافی نیست زیرا فضول ضامن افت قیمت و کاهش ارزش بازاری سهام نیز می باشد. اما باید توجه داشت این ضرر در زمان بعد از مطالبه ورودش محرز است و تا قبل از مطالبه قصد فروش مالک امکان تحقق ندارد و ابراز نگردیده است و نمی توان آن را تصور نمود. لذا قیمت زمان معامله کفایت نمی کند.

- در مورد زمان تلف (بسته شدن نماد معاملاتی) باید گفت در این زمان سهام قیمتی نداشته و مالک قطعاً ضرر کرده است که با این قاعده جبران نخواهد شد.

- در مورد ملاک ۳ (بالاترین قیمت از زمان غصب تا تاریخ تلف) اشاره می شود که تا زمانی که نماد بسته نشده (یا همان تلف)، رد عین یا سهام بر عهده غاصب است و نوسان قیمت تاثیری در آن ندارد (البته از باب خسارات قابل بحث است).

- ملاک ۴ و ۵ از این لحاظ مورد انتقاد است که "ضمان بر چیزی تعلق می گیرد که پرداخت آن ممکن باشد. بعد از تلف عین دیگر نمی توان آن را به مالک باز گرداند. پس به ناچار باید قیمت بر ذمه غاصب قرار گیرد، به ویژه که می دانیم تنها کلی بر ذمه می ماند و اعیان خارجی مشمول این قاعده نیست.

به بیان دیگر، هیچ تکلیفی بر غیر مقدور به وجود نمی آید و بعد از تلف عین رد آن نامقدور است و پرداختن قیمت نیز مصداقی از موضوع آن تکلیف نیست، پس ناچار باید ضمان مربوط به رد عین ساقط شود و جای آن را تعهد به دادن قیمت بگیرد.^۶ بنا به مراتب فوق، از نظر منطقی می توان گفت هدف از احکام غصب جبران زیان مالک است و قانون گذار برای تضمین حقوق مالک مسئولیت شدید تری را برای غاصب مقرر کرده است که حتی در اثر قوه قاهره و دخالت دیگران نیز از بین نمی رود.

زمان طبیعی برای توصیف موضوع ضمان غاصب و اینکه او چگونه

فاکتور روز مطالبه است. این زمان یعنی روز مطالبه در مورد پرونده های فروش فضولی حاوی بار معنایی است که در تصمیم گیری پیرامون مبلغ سهام موثر است.

از زمانی که مالک سهام فروخته شده را مطالبه می کند تصور این امر که قصد فروش سهامش را داشته است ممکن می شود و تا قبل از زمان مطالبه، قصد فروش سهام منتفی بوده و لذا هر چه که قیمت بالا رفته باشد مورد محاسبه خسارت قرار نمی گیرد زیرا ضرر قطعی و مسلمی از بابت افزایش قیمت سهام به خواهان وارد نشده است. این ضرر احتمالی است و در مسئولیت مدنی، مسلم بودن ضرر شرط است. اگرچه این اضافه ارزش قطعاً اتفاق افتاده است اما عدم مراجعه و مطالبه خواهان حاکی از عدم قصد فروش وی است.

در پرونده فوق با توجه به بسته بودن نماد و اینکه خواهان بالاترین قیمت سهام را مطالبه کرده است می توان نتیجه گرفت که معامله انجام شده توسط مالک رد شده است.

رد مالک نشان می دهد که تصرف نامشروع است و خریدار هم چون غاصبان دیگر نه تنها مکلف به بازگرداندن مال به صاحب آن است، مسئول هر نقص و تلفی است که بر عین یا منافع آن وارد آید و مانند موضع حقوقی غاصب در ضمان قهری است.^۵ باید متذکر گردیم که در اینجا (معاملات بورسی) دسترسی به خریدار وجود ندارد تا علیه وی طرح دعوا گردد و امکان بازپس گرفتن سهام فروخته شده از وی ممکن نیست. بنا بر این احکام غاصب بر کارگزاری که فضولتاً فروش را انجام داده و موجب اضرار گردیده است بار می گردد.

در صورت رد معامله فضولی، مالک محق است که سهام فروخته شده خود را مطالبه نماید و مستحق بازگرداندن مالش می گردد، اما ممکن است به علت بسته بودن نماد امکان خرید مجدد آن برای مالک وجود نداشته باشد که مسئله در اینجا به همین صورت است. لذا تعهد فضول به پرداخت قیمت سهام به وی تبدیل می گردد.

با این اوصاف به احکام غصب در این زمینه رجوع می نماییم. در مورد اینکه چه قیمتی از قیمت های سهام (قیمت مال مغضوب) هنگام صدور حکم بایستی مورد توجه قرار گیرد نظرات ذیل وجود دارد:

۱. قیمت زمان غصب (زمان وقوع معامله فضولی)
۲. زمان تلف (زمانی که خرید مجدد سهام فروخته شده برای مالک منتفی می گردد یا همان آخرین قیمت - ماده قانون مدنی ۳۱۲)
۳. بالاترین قیمت از زمان غصب تا تاریخ تلف (از زمان فروش

۶- کاتوزیان، ناصر، "الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری - مسئولیت مدنی - غصب و استیفاء"، صفحه ۶۷

۵ - کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادها، صفحه ۱۳۷

باید از مالک رفع ضرر نماید، زمانی است که اجرای تکلیف از دادگاه خواسته می‌شود و لحظه‌ای است که دادرس به طور قاطع به آن حکم می‌دهد. در این زمان است که مشخص می‌شود غاصب باید چه مبلغی بابت بدل تعهد اصلی بپردازد و مفاد همین حکم است که به تعهد غاصب صورت عینی و خارجی می‌بخشد. بنا به مراتب فوق می‌توان اشاره نمود که بر اساس نظر دکتر کاتوزیان بایستی قیمت در زمان صدور حکم در نظر گرفته شود، اما در معاملات بورسی ممکن است اختلاف قیمت فاحش بوده و از روز صدور حکم تا یوم الادا (روز اجرا) شاخص قیمت دستخوش تغییرات بسیاری گردد. لذا منطقی تر آن است که در حکم به جای تعیین قیمت، آن را به قیمت یوم الادا (نه به این منظور که عهده فصول صرفاً به رد عین باقی مانده است بلکه به عنوان بدل تعهد اصلی) ذکر نماییم.

تنها اشکالی که باقی می‌ماند این است که هرگاه بهای مال مغضوب (مال مورد معامله فضولی) از زمان غضب پایین تر آید چگونه می‌توان ضرر را جبران کرد؟ در پاسخ باید گفت، جبران این ضرر بر مبنای تسبیب باید انجام شود نه غضب و اگر ورود ضرر ناشی از تعدی غاصب است بایستی به مالک داده شود.^۷

در معاملات فضولی اوراق بهادار همانند قضیه مطروحه کاهش قیمت سهام و عدم امکان فروش به قیمت بالاتر ضرر بلافضلی است که از اقدام فصول ناشی می‌گردد و بایستی این افت قیمت جبران گردد.

با عنایت به آنچه ذکر شد صدور حکم به قیمت یوم الادا بابت اصل خواسته و پرداخت مابه التفاوت قیمت یوم الادا و قیمت حداکثری که سهام پس از مطالبه خواهان داشته است منطقی بوده و با اصول و قواعد حقوقی سازگار است و رأی هیأت محترم داورى نیز در این خصوص صحیحاً انشاء گردیده و با این مبنا مطابقت دارد. اگر چه با صدور حکم به اعلی قیمت سهام نیز همین مقصود تأمین می‌گردد اما از نظر حقوقی باید بین اصل خواسته از باب غضب و خسارات از باب تسبیب قائل به تفکیک گردیم. (چنانچه رأی هیأت محترم داورى نیز در این خصوص در دو مرحله صادر شده است)

همانطور که اشاره شد جبران خسارت از باب تسبیب مستلزم آن است که ورود ضرر ناشی از تقصیر (تعدی و تفریط) باشد. کسر قیمت سهام و از دست دادن امکان فروش سهام به قیمت بالاتر ضرر بلافضلی است که از اقدام فضولی ناشی شده است. این خسارت به هیچ عنوان عدم النفع نمی‌باشد، چرا که عدم النفع یک ضرر احتمالی را شامل می‌شود اما در مورد سهام این اضافه ارزش در گذشته قطعاً اتفاق افتاده و منفعتی از خواهان

دفع شده است.

در اینجا مجدداً متذکر می‌گردیم که تمامی مباحث فوق در شرایط پیش فرض مسئله و در حالتی است که معامله فضولی اوراق بهادار توسط مالک رد شده و امکان تودیع و بازگرداندن سهام فروخته شده به مالک نباشد و گرنه به جای قیمت یوم الادا همان سهام را در صورت مطالبه خواهان بایستی خریداری و در اختیار وی گذارند. مضافاً بر آنکه هم چنان تفاوت اعلی قیمت و قیمت روز سهام از باب تسبیب قابل مطالبه می‌باشد. در مورد رأی صادره و تأیید آن بایستی به رد پای اصل عدالت و انصاف نیز توجه نمود، چرا که کارگزاری خواننده صرفاً به دستور کارگزاری دیگری، بدون ارتباط با خواهان، اقدام به خرید و سپس فروش سهام نموده است (با توجه به اینکه فعالیت کارگزاری دیگر برای مدتی متوقف بوده است).

می‌توان گفت اولاً با توجه به اینکه کارگزاری نسبت به طرف دعوا قوی تر بوده و ثانیاً امکان مراجعه به کارگزاری دستور دهنده را دارد، هیأت محترم داورى با صدور رأی به نفع خواهان، حکم صادره را با اصل عدالت و انصاف نیز همخوانی داده است. "به نوعی می‌توان اذعان داشت در پرونده‌های بورسی علی‌رغم سایر موارد حقوقی، عدم سوءنیت کارگزاری نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (یا وجود حسن نیت). در قضیه مطروحه ملاحظه می‌گردد که اگرچه طبق قواعد غضب کلیه منافع متعلقه مال مالک است اما در این رأی به جای آنکه خسارت از ابتدای فروش سهام مورد حکم قرار گیرد، از زمان مراجعه به کارگزاری محاسبه گردیده است که این به علت آن است که کارگزاری که معامله فضولی را انجام داده است سوءنیت نداشته است"^۸

«گردش کار»

خانم (ع) وکیل خانم (ن) (خواهان) به موجب درخواست مورخ ۸۲/۸/۲۲ دعوی علیه شرکت کارگزاری (ب) (خواننده) نزد هیئت داورى بورس مطرح و طی آن اعلام می‌نماید که اعتراض بر فروش تعداد ۲۰۰ سهم سیمان سپاهان بنام دخترم (ل. ن) که وکالتاً از جانب ایشان در تاریخ ۸۱/۹/۵ خریداری کرده بودم، دارم. چون این کارگزاری بدون اجازه اینجانب در تاریخ ۸۱/۹/۱۹ سهام مزبور را فروخته است. ضمناً خواهان در جلسه مورخه ۸۵/۹/۸ تقاضا نموده، چون مدت مدیدی است که پرونده در جریان رسیدگی است و در حال حاضر قیمت سهام تنزل پیدا کرده از جهت رعایت عدل و انصاف مطالبه قیمت سهام به مبلغ پنجاه میلیون ریال و خسارات وارده و هزینه دادرسی را دارد. هیئت با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح آتی مبادرت به صدور رأی مینماید:

۸- این قسمت با توجه به اظهار نظر آقای دکتر سام سوادکوهی فر، رئیس محترم هیأت داورى درج گردیده است.

۷- کاتوزیان، ناصر، "الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری-مسئولیت مدنی-غصب و استیفاء"، صفحه ۶۹، با تصرف و تلخیص

«رای هیئت داوری»

تحلیل رای

نکته‌ای که در این رأی محل بحث می‌باشد این است که آیا با فرض عدم پرداخت ثمن و یا احتمال صحت فرض می‌توان گفت مالکیت خواهان بر ۲۰۰ سهم تشبیت شده که بر این اساس فروش آن را فضولی بدانیم.

در قضیه مطروحه مالک معامله دوم یعنی فروش را رد کرده است و در مورد تنفیذ به صراحت مطلبی عنوان ننموده است. به نظر می‌رسد با فرض فضولی بودن خرید (که قطعاً پولی پرداخت نشده باشد)، اعتراض خواهان به فروش و رد آن، در واقع تنفیذ ضمنی معامله اولیه (یعنی خرید) می‌باشد و عرفاً دلالت بر تنفیذ معامله اول دارد. چرا که وی به فروش سهامی معترض است که فضولاً خریداری شده و این دلالت بر پذیرش خرید دارد.

از این رأی مطلب دیگری نیز پیرامون زمان انتقال مالکیت در معاملات سهام استخراج می‌شود. چنانچه از فحوائی رأی صادره بر می‌آید مالکیت سهام حتی بدون پرداخت وجه نیز حاصل شده و در واقع شرط و پیش شرطی ندارد، یعنی پس از وقوع معامله در تالار بورس با فرض اینکه در شرایط صحیح انجام شده باشد، مالکیت سهام به شخص خریدار منتقل می‌شود. البته باید متذکر شویم که در مورد معاملات فضولی هم چنان قواعد قانون مدنی حاکمیت دارد و انتقال مالکیت پس از تنفیذ از زمان وقوع معامله است و در واقع معامله از زمان وقوع صحیح و نافذ می‌گردد.

خانم (ع) به وکالت از طرف خانم (ن) در مقام مطالبه ۲۰۰ سهم سیمان سپاهان به طرفیت شرکت کارگزاری (ت) برآمده که با توجه به محتویات پرونده نظر به درخواست خواهان و با توجه به دو فقره گزارشهای بازرسی سازمان بورس که بالصرحه اعلام داشته‌اند کارگزار در هنگام تسویه حساب با خانم (ال) فراموش کرده بدهکاری وی را به حساب مشارالیه منظور دارد و اضافه کرده با توجه به تاریخ خروج شاکتی از کشور، کارگزار هشت روز وقت داشته که شاکتی را از اشتباه خود آگاه نماید. و با عنایت به اظهارات نماینده شرکت کارگزاری (ت) که تلویحاً اقرار به اشتباه کارگزاری کرده‌اند و اینکه دفاع شرکت کارگزاری مبنی بر واریز بعدی وجه حاصل از فروش به حساب ایشان (بستانکار کردن حساب) جهت جبران اشتباه موجه نیست. لذا دعوی خواهان فقط در مطالبه سهام خود محرز بوده و با توجه به طول مدت جریان رسیدگی، هیئت در زمان صدور رأی، خواهان را با توجه به افزایش سرمایه در سه مرحله مستحق دریافت خسارت ناشی از بیع فضولی ۲۰۰ سهم سیمان سپاهان که اکنون به ۱۶۰۰ سهم افزایش پیدا کرده، دانسته و با توجه به میانگین قیمت سهام از تاریخ مطالبه (۸۲/۸/۲۲) تا تاریخ صدور رأی (۸۵/۹/۸) و افزایش سرمایه‌های صورت گرفته و سودهای نقدی متعلقه و کسر مبلغ اسمی سه مرحله افزایش سرمایه، شرکت کارگزاری (ب) را به پرداخت مبلغ ۱۵،۲۳۹،۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ نهصد و پنجاه هزار ریال هزینه داوری در حق خواهان محکوم می‌نماید. ضمناً خواهان بایستی مبلغ ۱،۹۰۴،۸۷۵ ریال مربوط به خرید ۲۰۰ سهم سیمان سپاهان را به قیمت میانگین به شرکت کارگزاری (ب) مسترد دارد. رأی صادره برابر تبصره ۵ ذیل ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار قطعی بوده و دایره اجرای ثبت اسناد و املاک تهران مکلف به اجرای آن است.

فهرست منابع:

۱. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذرماه ۱۳۸۴
۲. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، زمستان ۱۳۸۷، چاپ نوزدهم
۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول و دوم، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم ۱۳۸۷
۴. کاتوزیان، ناصر، «الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری-مسئولیت مدنی-غصب و استیفاء»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم ۱۳۸۶
۵. میرزایی منفرد، غلامعلی، کتاب «ساز و کارهای حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه ایران»، انتشارات شرکت اطلاع رسانی بورس، چاپ زمستان ۱۳۸۷
۶. نشریه ویژه سازمان بورس و اوراق بهادار، شماره‌های دوم و سوم، شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس، ۱۳۸۸
۷. سایت www.seo.ir سازمان بورس و اوراق بهادار
۸. سایت www.sena.ir پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه ایران
۹. سایت www.ebi.ir بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران